

اندر زهاو پندها بر جوانان

حضرت آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی



پندها به جوانان

مجموعه توصیه‌های حضرت آیت الله العظمی سید علی
حسینی سیستانی (مدّ ظلّه) در پاسخ به درخواست جمعی
از جوانان وفعالان اجتماعی



I.M.A.M.

IMAM MAHDI ASSOCIATION OF MARJAEYA

Imam Mahdi Association of Marjaeya, Dearborn,
MI 48124, www.imam-us.org
© 2017 by Imam Mahdi Association of Marjaeya
All rights reserved. Published 2017.
Printed in the United States of America

ISBN-13: 978-0-9982544-5-6

No part of this publication may be reproduced without permission from I.M.A.M., except in cases of fair use. Brief quotations, especially for the purpose of propagating Islamic teachings, are allowed.

جدول محتوا

- v..... پیشگفتار توسط ناشر
- v اهمیت راهنمایی‌های عالمان دینی و دانشمندان
- viii..... اهمیت نوشتار حاضر
- x فقیهان، رسانه‌ها و تبلیغات
- xii شیوه مناسب ارتباط با مراجع دینی
- 1 متن درخواست
- 5 پندها و توصیه‌ها
- 7 اول: لزوم اعتقاد راستین به خداوند سبحان و جهان آخرت
- 9 دوم: آراستگی به اخلاق نیک
- 9 سوم: تلاش و صداقت شغلی
- 13..... چهارم: پایبندی به رفتار و اخلاق پسندیده
- 15..... پنجم: اهمیت دادن به ازدواج
- 16..... ششم: نیکوکاری، به‌ویژه در حق یتیمان، بیوه‌زنان، و یتیمان
- 18..... هفتم: انجام صحیح مسئولیت‌ها
- 21..... هشتم: اهتمام به علم آموزی و افزایش خردورزی

جدول محتوا

پیوستها

27. خلاصه‌ای از زندگی نامه حضرت آیت الله العظمی سیستانی مد ظله العالی .

• تولد و خاندان 27

• ویژگی های فردی 28

• مدارج تحصیلی 28

• ویژگی های مکتب فکری آیت الله سیستانی 31

• مرجعیت 32

• فعالیت سیاسی 33



پیشگفتار

بسمه تعالی

چون سخن از دل برآید لا جرم بر دل نشیند، به ویژه اگر صاحب سخن حقیقت سخن خویش را چشیده و به تجربه آن را لمس کرده باشد. مهمتر آن که گوینده خود از رهبران دین الهی بوده و مقام ولایت مهدوی (عج) را دارا باشد.

خواننده جوان! نوشتاری را که در دست دارید مجموعه‌ای است از رهنمودهای ارزشمند حضرت آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی مدظله العالی مرجع عالیقدر مسلمانان جهان¹.

اهمیت راهنمایی‌های عالمان دینی و دانشمندان

گفتار و رفتار شخصیت‌هایی که از شهرت برخوردارند تأثیرات مهمی، مثبت یا منفی، بر جای می‌گذارد. بدین جهت، متولیان

(1) زندگینامه مختصری از حیات پر بار ایشان را در ادامه این نوشتار مطالعه فرمایید.

اجتماع سعی می‌کنند از این تأثیر گذاری برای اهداف تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مانند آن بهره‌گیرند و افکار عمومی را به سمت مشخصی سوق دهند. یکی از اثر گذارترین افراد در شکل دهی افکار عمومی عالمان دینی هستند.

﴿﴿ أَبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ
وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴺ﴾

﴿قرآن کریم، سوره اعراف، آیت ۶۲﴾

داشتن نیت خالص الهی و اجتناب از اغراض و تمایلات شخصی و یا گروهی، از ویژگی‌های اصلی در ارائه راهنمایی دلسوزانه به دیگران است. قرآن کریم نمونه‌های روشنی از راهنمایی‌های خالصانه را به ما عرضه کرده است. در داستان حضرت نوح (ع)، خداوند متعال می‌فرماید: «أَبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۲. در آیه دیگری حضرت هود

2) قرآن کریم، سوره اعراف، آیت ۶۲ (من پیام‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و شما را اندرز می‌دهم و از خداوند چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید)

می‌گوید: « أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ »³. خداوند متعال گاه پیامبران الهی را نیز مشمول حمایت برخی اشخاص قرار می‌داد. برای نمونه، خداوند متعال از فرد با ایمانی نام می‌برد که حضرت موسی (ع) را از اهداف فرعونیان نسبت به قتل او آگاه می‌سازد: « وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ »⁴. در داستان دیگری حضرت موسی (ع) از رهنمودهای خضر نبی برخوردار می‌گردد. توصیه‌های حکیمانه پیامبر اکرم (ص) و امامان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) نیز همواره از طریق عالمان و گردآورندگان حدیث جمع آوری و به نسل‌های بعدی منتقل گشته است.

فقیهان نیز به تبعیت از امامان معصوم (ع) و به نیابت از آنان بیش از هزار سال است که راهنمایی امت اسلامی را در عصر غیبت بر عهده داشته و دارند. بدین جهت است که بسیاری از فقیهان مکتب اهل بیت (ع) بخشی از حیات خود را وقف ارائه راهنمایی

3) قرآن کریم، سوره اعراف، آیت ۶۸ (من پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امین هستم)

4) قرآن کریم، سوره قصص، آیت ۲۰ (مردی شتابان، از نقطه‌ای دور در شهر، آمد و گفت: ای موسی! این جمعیت برای کشتن تو به مشورت نشسته‌اند، فوراً از شهر خارج شو، که من از خیرخواهان تو هستم)

به مؤمنان می‌کنند تا آنان را به وظایف الهی خود آگاه ساخته
وسعدت دنیا و آخرت را به دست آورند.

اهمیت نوشتار حاضر

نوشته حاضر از حضرت آیت الله العظمی سیستانی مد ظلّه العالی
نمونه‌ای از سفارش‌های فقیهان مکتب اهل بیت (ع) است. نکات
زیر نشان دهنده اهمیت این نوشتار است:

(1) این نوشته از سوی عالمی برجسته که بیش از هشتاد سال از
عمر خویش را صرف مطالعه علوم مختلف کرده و از تجربیات
ذی قیمتی در حیات فردی و اجتماعی، به ویژه در تربیت فرزندان
و شاگردان برجسته، برخوردار بوده صادر گشته است. این
توصیه‌ها عصاره یک عمر حیات موفق است که می‌تواند الگویی
ارزشمند را برای پیروی در اختیار حقیقت جویان قرار دهد.

(2) سفارش‌های حاضر از مرجعی است عالیقدر و فقیهی توانا که در
سلسله نیابت معصومین (ع) قرار داشته و سخنانش از منبع
وحی سرچشمه می‌گیرد. بدین روی، این سخنان می‌تواند
راهنمایی حقیقی و نقشه راهی برای تحقق یک زندگی مؤمنانه
برای جوانان مؤمن باشد.

3) مخاطب این سخنان، نسل جوان عصر کنونی از هر دین و آیینی است. بلکه فراتر از آن، محتوای این نوشتار، به پیروی از شیوه پیامبران و وارثان آنان یعنی عالمان دین، به گونه‌ای است که مخاطب آن را می‌توان بشریت عصر حاضر دانست.

4) گستره قلمرو این توصیه‌ها دلیل دیگری بر اهمیت این سخنان است. در این نوشتار به تخصص‌های علمی متعددی اشاره شده و ضرورت تحول عمیق در آنها مورد تأکید قرار گرفته است. مسائل زنان، اهمیت بنیادهای اجتماعی و خانوادگی و مسائلی از این قبیل، حوزه‌هایی است که توجه ویژه‌ای را در این نوشتار به خود اختصاص داده است.

همان طور که پیشتر گفته شد، شایسته است سطرهای این نوشتار به عنوان نقشه راهی برای جوانان ما مورد توجه قرار گیرد تا منزل مقصود که سلامت و سعادت دنیا و آخرت است به دست آید. دنیای جوانان، در بسیاری از موارد، یا به افراط و یا به تفریط سپری می‌گردد. برخی با افراط در دینداری فرصت‌های پیشرفت در زندگی عادی را از دست می‌دهند و باری بر دوش جامعه می‌گردند، و برخی دیگر با دین‌گریزی و غرق شدن در لذت‌های زودگذر مادی، زندگی معنوی و اخروی خود را تباه می‌سازند. ثروت و لذت، و در یک کلمه: نعمت‌های دنیوی، تنها وقتی می‌توانند ارزشمند تلقی شوند که صرفاً به عنوان ابزاری برای تأمین توأمان سعادت دنیا و سعادت آخرت قرار گیرند. در غیر این صورت

هر نعمتی می‌تواند به تهدید تبدیل شود و فرد را از بهره‌مندی از حیات طیبه باز دارد و او را به وادی سرخوردگی و افسردگی سوق دهد. هدف این نوشتار بازگویی آسیب‌های افراط و تفریط و ارائه راه وسط برای تحقق زندگی مؤمنانه است.

فقیهان، رسانه‌ها و تبلیغات

یکی از پرسش‌های رایج جوانان این است که چرا مراجع تقلید، غالباً، در رسانه‌ها حاضر نمی‌شوند تا به صورت مستقیم با مردم سخن گویند و آنان را از راهنمایی‌های خود برخوردار سازند؟ در نظر آنان، این شیوه ارتباط مستقیم بسیار نافذتر و اثربخشی بیشتری در ایجاد پیوندی مستحکم بین مرجع و پیروانش خواهد داشت.

در تبیین پاسخ پرسش فوق، توجه به نکات زیر ضروری است:

(1) این پرسش اساساً پرسش مناسبی بنظر نمی‌رسد. انتظار ظاهر شدن مراجع و فقها در رسانه‌ها و ایجاد ارتباط مستقیم با مردم ناشی از روند رایج ارتباط شخصیت‌های مختلف منجمله شخصیت‌های سیاسی با مردم است. متخصصان علوم، عالمان برجسته دینی به ویژه آنان که دارای مراتب بالای علمی و معنوی هستند غالباً در رسانه‌ها ظاهر نمی‌شوند مگر اینکه شرایط خاصی حضور آنان را ایجاب کند.

(2) حضور مراجع تقلید در رسانه‌ها، انتظار تداوم حضور آنان در سایر موارد را در پی خواهد داشت و در نهایت به جایگاه عالمان دینی و مراجع عظام صدمه خواهد زد. بسیار بدیهی است که تنزل جایگاه مراجع تقلید موجب عدم تأثیر گذاری کلام آنان در اجتماع خواهد شد. بنابراین شایسته است که حضور مراجع عظام در رسانه به حداقل ممکن و به موارد ضرورت محدود گردد. تأثیر گذاری عمیق سخنان آنان در جهان کنونی نیز ناشی از همین واقعیت است.

(3) حضور مکرر در رسانه‌ها برای کسانی لازم است که دارای مشاغل اجرایی و مدیریتی هستند. اتفاق‌های روزمره ایجاب می‌کند که این افراد تصمیمات خود را در باره حوادث و مسائل اجتماعی به مردم اعلام کنند. اما عالمان دینی، و به ویژه مراجع تقلید، چنین شرایطی را ندارند و به ندرت اتفاق می‌افتد که ضرورتی ایجاب کند که به صورت عمومی با مردم سخن گویند. حضور عمومی و رسانه‌ای رهبران دینی و مدیران حوزه‌های علمیه و مراکز علمی مشهور جهان در رسانه‌ها هرگز گزارش نشده است.

(4) نکته دیگری که قابل توجه است این است که در زمان کنونی، ارتباط با رسانه‌ها بسیار حساس است زیرا بسیاری از آنان وقایع را به صورتی غیر از آنچه واقع شده است گزارش می‌کنند. رقابت رسانه‌ها با هم در پخش زودتر یک گزارش

موجب می‌گردد حقایق وارونه جلوه داده شود یا در جهت تأمین منافع خاصی مورد بهره برداری قرار گیرد. بنابراین لازم است مراجع بزرگ در برخورد با رسانه‌ها و حضور در آنها بسیار محتاط عمل کنند تا با گزارش نادرست سخنان آنان جامعه به التهاب کشیده نشود.

بدین ترتیب، از مردم عزیز و مقلدین محترم که مشتاق شنیدن سخنان مراجع عالیقدر تقلید از رسانه‌ها هستند انتظار می‌رود نکات یاد شده را در نظر داشته باشند و بدانند که احتیاطی را که مراجع تقلید در برخورد با رسانه‌ها رعایت می‌کنند در نهایت به نفع جامعه است. گزارش‌های واقعی از دیدار مردم با مراجع دینی در منازل آنان و تأثیر گذاری عمیق این دیدارها در بازدید کنندگان همگی شاهد خوبی بر مدعای ما می‌باشد. بنابراین، باید دانست که عدم حضور رسانه‌ای بزرگان دین به دلیل عدم رعایت ضوابط درست در انعکاس گزارش‌ها است نه به خاطر دوری گزیدن آنان از مردم وعدم توجه به نیازهای آنان.

شیوه مناسب ارتباط با مراجع دینی

تردیدی نیست که ارتباط میان مؤمنان و رهبران معنوی امری ضروری است. مرجع دینی زندگی خود را وقف رساندن پیام اصیل انبیا و رسولان به مردم می‌کند تا فرایند انتقال پیام خداوند به بندگانش

به درستی وبدون نقص انجام شود. زندگی در عصر نبوت و تا مدت‌ها پس از آن ساده بود. پیامبر اکرم (ص) هر روز در مسجد می‌نشست و مردم به دیدارش می‌رفتند. حتی امام جعفر صادق (ع)، که بیشتر معارف اهل بیت (ع) از طریق ایشان به دست ما رسیده است، علاوه بر تعلیم شاگردان دانشمند خود، در مسجد پیامبر (ص) در مدینه می‌نشستند تا با مردم عادی سخن گویند و به دل‌های آنان آرامش بخشند. اما زندگی پیچیده امروزی و جمعیت زیاد، امکان سفر به سهولت، افزایش تعداد رشته‌های علمی، شرایط دشوار اجتماعی و سیاسی، و افزایش مخاطرات امنیتی، همگی باعث شده است که مراجع دینی در ارتباط با مردم احتیاط بیشتری را رعایت کنند و آنان را از داشتن ارتباطی آسان با مردم آن گونه که در صدر اسلام به چشم می‌آید محروم سازد.

با این وجود به نظر نمی‌رسد مشکل یاد شده فاقد راه حلی معقول باشد. وجود مجاری ارتباطی مختلف در عصر حاضر این امکان را فراهم آورده است که مراجع وعالمان دینی بتوانند پیام خود را به شیوه‌های مطمئن دیگری به مخاطبان خود برسانند؛ شیوه‌هایی مانند به مهر و امضا رساندن دستخطها و انتشار بیانیه‌های رسمی از طریق سایت‌های اینترنتی متعلق به خود، وهمچنین انعکاس آرا و نظرات خویش از طریق نمایندگان مورد اعتمادشان در نقاط مختلف دنیا. افزون بر این موارد، دیدار با میهمانانی از سراسر جهان نیز بخشی از ساعات روزانه آنان را به خود اختصاص می‌دهد.

پیشگفتار

بنابراین، بسیار مناسب است که مؤمنان عزیز به ویژه جوانان، به تناسب شرایط خود به خاورمیانه سفر کنند تا بتوانند علاوه بر زیارت اماکن مقدسه معصومین (ع) و حوزه‌های علمیه، مراجع عظام تقلید و سایر اندیشمندان جهان اسلام را نیز ملاقات کنند. دیدار مکان‌های باستانی و آشنا شدن با فرهنگ و میراث چند هزار ساله کشورهای اسلامی، بهره‌مند دیگری است که از این سفرها به دست می‌آید.





متن در خواست



بسم الله الرحمن الرحيم

سلام ودرود به مرجع عالیقدر آیت الله العظمی
سید علی حسینی سیستانی (دام ظلّه)

ما گروهی از دانشجویان وفعالان اجتماعی، از
حضرت عالی استدعا داریم توصیه‌ها و نصایحی
را که در این روزها به کار ما می‌آید و بیانگر
نقش جوانان ووظیفه آنها برای نقش آفرینی در
جامعه است وهر نصیحت دیگری را که به نظر
حضرت عالی برای ما فایده دارد بیان فرمایید.

گروهی از دانشجویان وفعالان اجتماعی





پندها و توصیه ها



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على
محمد وآله الطاهرين

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

شما جوانان عزیز را - که مسائلتان همچون مسائل خود
و خانواده‌ام برایم اهمیت دارد - به هشت نصیحت سفارش
می‌کنم؛ اندرزهایی که سعادت کامل این زندگی و حیات واپسین
آدمی در آن نهفته، و عصارهٔ پیام‌های خداوند سبحان و پندهای
حکیمان و بندگان صالح و رهاورد تجربیات و دانش این جانب است:

❖ اول ❖

لزوم اعتقاد راستین به خداوند سبحان و جهان آخرت

با وجود دلایل عقلی و نقلی روشن جای هیچ تردیدی بر وجود
خداوند متعال و جهان آخرت باقی نمی‌ماند. انسان با تأمل عمیق،
درمی‌یابد که هر موجودی در این جهان، آفریده‌ای بدیع و تازه است
و نشان از صانع‌ای توانا و خالق‌ی بزرگ دارد. خداوند متعال برای
یادآوری این نکته، از طریق انبیای خود، همواره این پیام روشن را
ابلاغ کرده است که حیات انسان‌ها، عرصه‌ای است برای آزمون

پندها به جوانان

آنان تا نشان دهند که کدامیک نیکوکارترند. عدم ایمان به خداوند متعال و جهان آخرت، غافل ماندن از معنا، هدف، و فرجام زندگی است. بنابراین، شایسته است شما جوانان عزیز از این باور پاسداری کنید و بر ایمان به خدا و آخرت ثابت قدم بمانید. بکوشید خداوند متعال را آنچنان حاضر ببینید که گویا همواره در پیشگاه او ایستاده‌اید و او با نگاه نافذ و تیزبین خود شما را نظاره می‌کند.

هرچند ممکن است آدمی در برهه‌ای از زندگی خود دچار ضعف ایمان، ترک وظایف دینی، و یا اسیر شهوات نفسانی شود، اما هرگز نباید ارتباط خود با خداوند متعال را قطع کند و یا راه بازگشت را بر خود ناهموار سازد. انسان اگرچه ممکن است به هنگام جوانی سرمست شادابی، سلامت و قدرت خویش باشد و از خداوند دور گردد ولی باید بداند که در هنگام ناتوانی و ضعف، چاره‌ای جز بازگشت به سوی او ندارد. بنابراین، انسان عاقبت اندیش، از همان عنفوان زندگی به جوانی خود مغرور نمی‌گردد و همواره سستی، بیماری، و ضعف آینده خود را در نظر می‌آورد.

مبادا انسان با قبول شبهه‌هایی که برای یافتن پاسخ آنها شکیا نبوده، و تحت تأثیر تمایلات دنیوی، و یا با اعتماد بر آرای سطحی ناآگاهان، و یا رنجیده خاطر از رفتار سوء عوام‌فریبان و متظاهران به دینداری، با راست‌نمایی جهل خود در اصول ثابت دین تردید کند و از انجام وظایف دینی باز ایستد. پاسخ شبهه‌ها همواره نزد

آگاهان آن دانش است نه دیگران، و آدمیان با حقایق محک می‌خورند، نه حقایق با رفتار آدمیان.



آراستگی به اخلاق نیک.

خوش‌خویی، دربرگیرنده فضیلت‌های بسیاری مانند حکمت، تفکر، مدارا، فروتنی، دوراندیشی، بردباری، شکیبایی و جز اینها است. خوش‌خویی از مهم‌ترین عوامل سعادت در دنیا و آخرت است. در رستاخیز، پر سودترین و نزدیک‌ترین مردم به خداوند کسی است که خوش‌اخلاق‌تر است. اخلاق خویش را در رفتار با والدین، خانواده، دوستان، و عموم مردم نیکو کنید. نفس سرکش را در این راه به محاسبه کشید و با تلاش مضاعف، مداوم، و شکیبایی، آن را به خلق نیکو آراسته سازید؛ خواستن توانستن است. بی‌شک، پاداش چنین کسی افزون‌تر از پاداش کسی است که نیک‌خلقی در سرشت او است.



تلاش و صداقت شغلی

تلاش برای فراگیری درست یک حرفه، به دست آوردن تخصص، به تکاپو انداختن نفس، و تحمل رنج و سختی برای رسیدن به تخصص‌های لازم، بهره‌های فراوانی را در پی دارد: بخشی از وقت انسان را پر می‌کند، از این رهگذر هزینه خود و خانواده‌اش را تأمین

پندها به جوانان

می‌سازد، جامعۀ خود را از دانش خود منتفع می‌کند، از دانش خود در انجام کارهای خیر سود می‌برد، بر تجربه‌اش می‌افزاید و سرمایه‌ای پاک را نصیبش می‌سازد. خداوند متعال، انسان زحمتکشی را که با کسب و کار، خود را به زحمت می‌اندازد دوست می‌دارد و از انسان بیکار و بی‌بهره‌ای که بار دوش دیگران است یا وقت خود را به بطالت می‌گذراند بیزار است. خداوند سبحان در جوانان توانایی‌هایی قرار داده تا با بهره‌گیری از آنها بتوانند مراحل پیشرفت را طی کنند و سرمایه‌های مادی و معنوی بیاندوزند. ایام جوانی را قدر بدانید و با وقت‌گذرانی و غفلت آن را هدر ندهید.

هر یک از شما باید چندان به حرفه و تخصص خود اهتمام ورزد که در آن به مهارت رسد آن‌گونه که سخنی را نا آگاهانه بر زبان نیاورد و امری را ناشایسته انجام ندهد. از پرداختن به اموری که توانایی یا دانش آن را ندارد پرهیز کند و آن را به شخصی که مهارت بیشتری دارد ارجاع دهد؛ چرا که این کار زینده‌تر و برای جلب اعتماد دیگران مؤثرتر است. آدمی باید کار و وظیفه خود را با علاقه و همت و خلاقیت و رغبت انجام دهد؛ در کسب مال از راه حلال بکوشد و راه‌های کسب حرام را بر خود ببندد چرا که در آن برکتی نیست و چه بسا به عقوبت و رنجی گرفتار آید که بیش از آنچه به دست آورده از دست بدهد؛ چنین مالی در دنیا بی‌نیازش نخواهد ساخت و در آخرت نیز باری خواهد بود که لاجرم باید آن را بر دوش کشد.

هر یک از شما در رفتار با دیگران باید چنان باشد که دوست دارد دیگران با او آنچنان باشند. دیگران را از لطف و احسان خود برخوردار سازد همان گونه که دوست دارد خداوند سبحان به او احسان ورزد. همواره اخلاق کار، و شایستگی‌های شغلی را در نظر داشته باشد و از پیمودن روش‌های نادرستی که از آشکار شدن آن شرم می‌کند دوری گزیند. بداند که کاری را که به او سپرده‌اند بر اساس اعتمادی است که به او داشته‌اند؛ پس این اعتماد را پاس دارد و خداوند را بر اعمال خویش ناظر ببیند. با صداقت و درستی عمل کند و بداند که اگر حقی را به ناروا به دست آورد دیر یا زود خداوند آن را از او خواهد ستاند. به درستی که خیانت و پیمان‌شکنی نزد خداوند سبحان زشت‌ترین کارها، و عواقب آن ناگوارترین آنها است.

» إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ
« أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَّقِنَهُ

﴿ از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) ﴾

در میان صاحبان مشاغل، پزشکان که با جان و بدن مردم سر و کار دارند باید توجه بیشتری به این نصایح مبذول دارند و از اهمال در

رعایت آنها به شدت اجتناب کنند چرا که آن را فرجامی است سخت؛ «عاقبت اندیش، فردا را نزدیک می بیند». خداوند سبحان می فرماید: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ * أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ﴾⁵؛ «وای بر کم فروشان * آنان که چون از مردم پیمانه می گیرند آن را پُر می کنند * و چون برای مردم پیمانه یا وزن می کنند از آن می کاهند * آیا آنها گمان نمی کنند که روزی برانگیخته شوند؟» از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) روایت شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَقَنَّهُ»؛ «خداوند متعال دوست دارد هرگاه کاری را انجام می دهید، آن را به بهترین صورت انجام دهید».

لازم است دانشجویان و اساتید دانشگاهها، در زمینه های تخصصی خود، به ویژه در حوزه پزشکی، از دستاوردهای دیگر مراکز علمی آگاهی داشته باشند تا دانش و فعالیتشان با دانش روز همراه باشد. بلکه بایسته است با ارائه مقالات مفید علمی و با پیشگامی در یافته های نو، در تعالی و تکامل علم سهیم گردند. شایسته است صاحبان تخصص و دانشمندان جوان، با امکانات موجود خود، با دیگر مراکز علمی به رقابت بپردازند و در فراگیری دانش، به شاگردی دیگران و مصرف ابزار و تجهیزات آنان بسنده نکنند، بلکه همانند نیاکان خویش که در گذشته های دور، پیشگامان

(5) قرآن کریم، سوره مطففین، آیات ۱ - ۴

پندها به جوانان

وپرچم‌داران عرصه دانش بودند، در پیدایش و تولید علم و بهره‌برداری از آن مشارکت فعال داشته باشند؛ چرا که در حوزه دانش، هیچ ملتی شایسته‌تر از دیگر ملت‌ها نیست.

بر شما لازم است تا از استعدادهای درخشان موجود در نوجوانان و جوانانی که در نبوغ سرآمد دیگرانند وهوش و برتری آشکاری دارند، حتی اگر از سطوح فرودست هستند، پشتیبانی کنید، وهمان طور که به فرزندان خود یاری می‌دهید، دست ایشان را تا رسیدن به مراتب بالای علم ودانش سودمند بگیرید تا جامعه وآیندگان از علم آنها بهره ببرند وشما نیز مانند آنان، از پاداش الهی بهره‌مند شوید.

❖ چهارم ❖

پایبندی به رفتار و اخلاق پسندیده

هیچ خیر وسعادتی جز بر پایه فضیلت استوار نیست؛ وهیچ بدی وشقاوتی جز از فرومایگی سرچشمه نمی‌گیرد. مگر در موارد خاصی که خداوند، بندگان خود را با آن می‌آزماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أُنذِرْكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾⁶؛ «و هر مصیبتی که به شما رسد به سبب دستاورد خود شما است وخدا از بسیاری از اعمال شما می‌گذرد».

(6) قرآن کریم، سوره شوری، آیت ۳۰

» وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا
« كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ

﴿قرآن کریم، سوره شوری، آیت ۳۰﴾

بعضی از صفات ناپسند عبارتند از: تعصب‌های نابجا، واکنش‌های شتابان، سرگرمی‌های خرد و ناچیز، خودنمایی، اسراف به هنگام ثروت، تعدی به هنگام فقر، شکوه در گرفتاری‌ها، بدرفتاری با دیگران و به‌ویژه با ضعیفان، هدر دادن سرمایه، کفران نعمت، پافشاری بر گناه، کمک به ظلم و ستم، و تمایل به ستوده شدن بر کارهای نکرده.

دختران را به پاکدامنی سفارش بسیار می‌کنم. زن، به خاطر ظرافتی که دارد، در برابر پیامدهای ناشی از بی‌توجهی به عفاف آسیب‌پذیرتر است، دختران باید مراقب باشند که فریب احساسات دروغین را نخورند و درگیر علاقه‌های زودگذری نشوند که لذتشان زودگذر و پیامدهای ناگوارشان همیشگی است. دختران عقیف، به زندگی مشترک و پایداری که سعادت و خوشبختی آن‌ها را تضمین کند می‌اندیشند؛ وجه سرفرازند زانی که زندگی و کار و تحصیل خویش را با حفظ سنگینی، متانت ظاهر، و زیبایی رفتارشان زینت می‌بخشند.

﴿ پنجم ﴾

اهمیت دادن به ازدواج

تشکیل خانواده مایه انس ولذت انسان، و موجب جدّیت در کار است. خانواده، آرامش و احساس مسئولیت را به همراه دارد و سبب می‌شود تا انسان همه نیروی خود را برای روز نیازمندی به کار گیرد و از گرفتار شدن به بسیاری از امور نامشروع در امان ماند. در روایت آمده است: «هر کس که ازدواج کند نیمی از دین خود را حفظ کرده است». تشکیل خانواده، سنتی ضروری است که بیش از دیگر سنت‌ها بر آن تأکید شده است. فطرت آدمی بر آن سرشته گشته و آنکه از آن روی می‌گرداند به محنت و دشواری مبتلا می‌گردد. در ازدواج نباید از فقر بهراسید زیرا خداوند سبحان برخی از اسباب روزی را در ازدواج قرار داده است. در ازدواج، دین و اخلاق و اصالت را معیار خود قرار دهید زیرا چه بسا زیبایی ظاهر و شغل و سایر امور و انگیزه‌های دنیوی مایه فریب است و هنگامی که ناملایمات زندگی از راه رسد، آن انگیزه‌ها همه فرو می‌ریزد و بر زخم‌ها مرهمی نمی‌نهد. در احادیث معصومین (ع) از ازدواج به انگیزه زیبایی همسر نهی شده و ازدواج بر اساس دین و اخلاق همسر مورد تشویق قرار گرفته و مایه برکت دانسته شده است.

جوانان و اولیای آنان اشتغال را بر تشکیل خانواده مقدم ندارند زیرا ازدواج سنت مؤکدی است که زندگی، بر اساس آن سامان

پندها به جوانان

می‌پذیرد؛ حال آنکه اشتغال، تنها زندگی را بهبود می‌بخشد و آن را تکمیل می‌کند؛ وفدا کردن اصل زندگی به خاطر فروع آن خردمندانه نیست. تجربه نشان می‌دهد که آنان که در سنین ازدواج از توجه به این نکته غفلت ورزیده و ازدواج را فدای اشتغال کرده‌اند بدون اینکه راه جبرانی بیابند پشیمان گشته‌اند.

والدین به بهانه رعایت آداب و رسوم نادرستی که هیچ‌گاه در دین به آنها اشاره‌ای نشده است مانع ازدواج جوانان خود نشوند. مهریه‌های سنگین یا تأخیر ازدواج به امید وصلت با اقوام یا سادات، وانگیزه‌هایی مانند آن، مفاسدی دارد که والدین از آنها بی‌خبرند. ولایت شرعی پدران بر دخترانشان تنها به خاطر رعایت مصلحت و خوشبختی آنان است. ممانعت پدران از ازدواج دخترانشان، بدون رعایت مصلحت آنان گناهی است که دری از درهای دوزخ را بر پدران می‌گشاید و عواقب آن تا هنگامی که فرزندشان از آن رنج می‌برد دامنگیرشان خواهد بود.

﴿ ششم ﴾

نیکوکاری، به‌ویژه در حق یتیمان، بیوه‌زنان، و بینوایان، نیکوکاری موجب رشد ایمان و تهذیب نفس می‌شود. نیکوکاری، زکات نعمت‌هایی است که انسان از آنها بهره‌مند گشته است. انجام کارهای نیک و یاری رساندن به مردم، صفات نیک را در انسان

راسخ می‌سازد. تعاون و همیاری در رفع مشکلات مردم و انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و یاری رسانی به مستولان برای حفظ نظام همگانی و رعایت منافع عمومی باعث بهبودی وضعیت جامعه می‌شود و برکت در این دنیا و ثواب آخرت را در پی دارد.

﴿﴾

﴿﴾

﴿﴾

﴿﴾ قرآن کریم، سوره رعد، آیت ۱۱ ﴿﴾

خداوند سبحان جامعه متحد و هم‌پیمان را که افراد آن به مشکلات برادران و هم‌نوعان خود اهمیت می‌دهند و خوبی‌هایی را که برای خود می‌خواهند برای دیگران نیز می‌خواهند، دوست دارد: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ﴾⁷؛ «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، هر آینه برکاتی از آسمان و زمین بر آنها می‌گشودیم»؛ و فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا

(7) قرآن کریم، سوره اعراف، آیت ۹۶

پندها به جوانان

بِأَنْفُسِهِمْ^۸؛ «خداوند حال هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان حال خود را تغییر دهند».

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَيُكْرِهَ لِأَخِيهِ مَا يُكْرِهُ لِنَفْسِهِ»؛ «هیچ‌یک از شما به کمال ایمان نمی‌رسد، مگر آنچه را که برای خود دوست دارد برای برادر خود نیز دوست بدارد و آنچه را که برای خویش نمی‌پسندد برای برادر خود نیز نپسندد».

همچنین فرمود: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا»، «هر که سنت نیکی را بنا نهد، پاداش آن کار و پاداش کسانی که به آن سنت عمل می‌کنند برای او است».

هفتم

انجام صحیح مسئولیت‌ها

آنان که کاری از امور دیگران را بر عهده دارند، مسئولیت خود را، چه در خانواده و چه در جامعه، به‌درستی انجام دهند. پدران، سرپرستی فرزندان‌شان، و شوهران، سرپرستی همسرانشان را به‌خوبی عهده‌دار شوند و با خردمندی و به‌منظور پاسداری از حریم خانواده و جامعه، از خشونت و سنگدلی، حتی در مواردی که قاطعیت لازم

(8) قرآن کریم، سوره رعد، آیت ۱۱

است پرهیز کنند. اعمال روش‌های قاطعانه به معنای آزار بدنی و گفتار ناشایست نیست، بلکه باید با استفاده از ابزارها و شیوه‌های تربیتی صحیح و با مشورت با کارشناسان به مسئولیت خود عمل کنند. وانگهی، روش‌های خشونت‌آمیز در بسیاری از موارد نتیجه عکس دارد و موجب تثبیت ناهنجاری در فرد و تخریب شخصیت می‌گردد. قاطعیتی که سبب ظلم شود و اصلاح یک خطا به روشی که خود خطا است، سرانجام نیکی ندارد.

فردی که عهده‌دار یکی از مسئولیت‌های جامعه است، باید در کار خویش اهتمام ورزد، در آن خیرخواه مردم باشد، و در انجام وظایفی که از دید آنان پنهان است خیانت نکند؛ چرا که خداوند متعال بر همه کارهای او و مردم ولایت دارد و در روز قیامت او را بازخواست خواهد کرد. پس باید مراقب باشد که اموال مردم را به مصرف نامشروع نرساند و تصمیمی برخلاف خیر و مصلحت مردم نگیرد و با سوء استفاده از موقعیت خود گروه و حزبی تشکیل ندهد تا تخلفات یکدیگر را پنهان کنند و به تقسیم منافع نامشروع و اموال شبهه‌ناک میان یکدیگر بپردازند و دیگران را از مناصبی که شایستگی آن را دارند کنار زنند یا آنان را از دریافت خدماتی که سزاوار آن هستند باز دارند. بلکه باید رفتارشان نسبت به همه یکسان باشد و از مقام خویش برای ادای حقوق شخصی‌ای که بر گردن او است سود نجویید؛ زیرا ایفای حقوق فردی از رهگذر

جایگاه شغلی، امکانات، و اموال عمومی، ظلم و تجاوز به حقوق عمومی است. پس اگر قرار بر ترجیح شخصی بود، آن فردی را بگزینند که از قدرت بی بهره است، حامیانی ندارد و جز خداوند سبحان یآوری برای گرفتن حق خویش نمی یابد.

دین یا مذهب را ابزاری برای توجیه کارهای خود قرار ندهید. زیرا دین و مذاهب حقه بر اصول راستینی همچون رعایت عدل و احسان و امانت داری و اموری از این قبیل بنیان نهاده شده اند: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾⁹. «ما پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و به همراه آنان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت رفتار کنند». امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرِ مُتَعَتِعٍ»؛ «من بارها از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) شنیدم که می فرمود: ملتی که در آن حق ضعیف از قوی، بدون ترس و واهمه گرفته نشود، هرگز قابل ستایش نیست»؛ و هر که اساس کار خود را بر چیزی جز این قرار دهد در حقیقت خویشتن را با آرزوهای پوچ و امیدهای دروغین فریب داده است. سزاوارترین مردم به پیروی از پیشوایان عدالت یعنی پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امام علی (علیه السلام) و امام

(9) قرآن کریم، سوره حدید، آیت ۲۵

حسین (علیه السلام)، کسانی هستند که بیش از دیگران به سخنان آنها عمل کرده و از روش آنها پیروی می‌کنند.

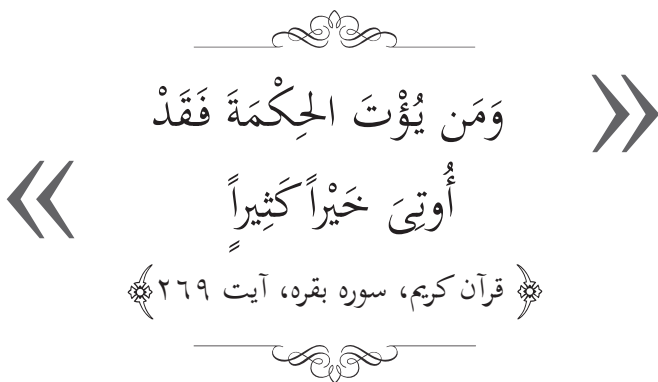
کسی که عهده‌دار امور مردم است باید مطالعه نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر را - هنگامی که او را به مصر اعزام می‌کرد - فرو نگذارد؛ زیرا این نامه، توصیفی فراگیر از اصول عدالت و امانت‌داری به دست می‌دهد و به تناسب وضعیت افراد، برای همگان، خواه مسئولان و خواه کسانی که در مراتب پایین‌تری قرار دارند مفید است. هر چه مسئولیت کسی گسترده‌تر باشد توجه به دستورالعمل‌های این نامه برایش ضروری‌تر است.

❖ هشتم ❖

اهتمام به علم آموزی و افزایش خردورزی

آدمی باید کارها و رفتارهای خود را و پیامدهای آنها را بسنجد و به رویدادهای پیرامون خویش و نتایج آن توجه کند تا هر روز بر شناخت و تجربه و کمالش افزوده گردد. زندگی آموزشی است با ابعادی متکثر و با بازتاب‌های بسی ژرف. انسان هیچ‌گاه در دوران حیات خویش از دانش و شناخت و مهارت بی‌نیاز نیست. در هر کار و حادثه‌ای نشانه و عبرتی نهفته است، و هر رویدادی در بردارنده پیغام و نکته‌ای است که ریشه در سنت‌های الهی دارد و نمونه‌هایی از موعظه‌ها و پندهای آموزنده‌ای را می‌توان در باره آنها بازجست. این‌گونه است که انسان، تا آن‌گاه که به

ملاقات خدای سبحان نایل گردد، هرگز از دانش و شناخت و مهارت بی‌نیاز نمی‌شود. هر چه انسان بینش بیشتری داشته باشد، به آزمون و خطای کمتری در راه شناخت حقایق نیازمند خواهد گشت. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾¹⁰؛ «و هر که به او حکمت داده شود، از خیر زیادی بهره‌مند شده است»؛ و به پیامبر خود (صلی الله علیه وآله) فرمود: ﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾¹¹؛ «بگو: ای پروردگارم، دانش مرا افزون کن».



و سزاوار است انسان با سه کتاب زیر مانوس باشد و با تأمل و تفکر در آنها، از آنها توشه برگیرد:

10) قرآن کریم، سوره بقره، آیت ۲۶۹

11) قرآن کریم، سوره طه، آیت ۱۱۴

- نخستین و برترین کتاب، قرآن کریم، آخرین پیام خداوند سبحان به بشر است تا گنجینه‌های عقول را برانگیزاند، چشمه‌های حکمت و دانایی را بجوشاند، و سختی دل‌ها را با آن نرم سازد. پس انسان باید خود را از تلاوت این کتاب محروم نکند و هنگام تلاوت آن، چنان باشد که گویی ندای الهی را از پس این کلمات به گوش جان می‌شنود؛ زیرا که قرآن رساله و پیامی است الهی که به سوی همه جهانیان نازل شده است.

- دومین کتاب، نهج‌البلاغه است. نهج‌البلاغه عموماً همان مضامین و نکات قرآن را با شیوه‌ای رسا و به گونه‌ای بیان می‌کند که روح تدبیر و تفکر و پندپذیری و حکمت‌طلبی را در آدمی زنده می‌سازد. شایسته است که هرگاه فرصت و فراغتی به انسان دست می‌دهد به خواندن آن مشغول گردد. نوای نهج‌البلاغه را باید چنان به سمع جان رسانید که گویی به پای خطبه‌های امام (علیه السلام) نشست‌اید و معارف الهی را از لبان حضرتش دریافت می‌کنید. به ویژه، نامه حضرت (علیه السلام) به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) شایسته توجهی درخور است.

- سومین کتاب، صحیفه سجادیه است؛ مجموعه‌ای مشتمل بر دعاهایی بلیغ و برگرفته از قرآن کریم، آموزه‌هایی در باره دغدغه‌ها، دیدگاه‌ها و آرمان‌های انسان، و بیان راه‌های محاسبه نفس و به نقد کشیدن آن، و کشف زوایای پنهان و رمز

وراز نفس آدمی است. از میان دعا‌های صحیفه سجادیه،
دعای مکارم‌الاخلاق برجستگی ویژه‌ای دارد.



» فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ *
« وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ
﴿ قرآن کریم، سوره زلزله، آیات ۷ و ۸ ﴾



این هشت توصیه، که چیزی جز چند تذکر نیست، پایه‌ها وارکان
راه صحیح زندگانی است. انسان در پرتو همین یادآوری‌ها است
که به نور حق، روشنایی حقیقت، زلال فطرت، گواهی‌های عقل
و تجربه‌های زندگی پی می‌برد. پیام‌های الهی و موعظه‌های اهل
بصیرت نیز به این امر شهادت می‌دهند. بنابراین، شایسته است هر
فردی، به‌ویژه جوانانی که در اوج توان و نیروی بدنی و روحی به سر
می‌برند، به این اندرزها که در حقیقت سرمایه زندگی‌اند دل سپارند
و به آنها عمل کنند و در راه دستیابی به آنها بکوشند؛ و چنانچه
عمل به همه آنها ممکن نیست یا انجام بخشی از آنها مقدورشان
نیست لکن آنها را به کلی ترک نکنند: «آب دریا را اگر نتوان
کشید * هم به قدر تشنگی باید چشید». خداوند سبحان

پندها به جوانان

می‌فرماید: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾¹²؛ «پس هر که به وزن ذره‌ای نیکی کرده باشد آن را دریابد * و هر کس به وزن ذره‌ای بدی کرده باشد آن را بچشد».

از خداوند متعال مسألت دارم شما را به آنچه موجب سعادت و استواری در دنیا و آخرت است موفق دارد؛ فَإِنَّهُ وَلِيُّ التَّوْفِيقِ

علی حسینی سیستانی

۲۸ ربیع الاول ۱۴۳۷ هجری قمری

نجف اشرف، عراق



(12) قرآن کریم، سوره زلزله، آیات ۷ و ۸

پیوستها

خلاصه‌ای از زندگی نامه حضرت
آیت الله العظمی سیستانی مد ظلّه العالی¹³

تولد و خاندان

ایشان در ۹ ربیع الاول ۱۴۳۹ هجری قمری در شهر مقدس مشهد در ایران چشم به دنیا گشود.

پدر ایشان سید محمد باقر فرزند سید علی وهر دو از علمای برجسته و مشهور حوزه‌های علمیه نجف، قم، و مشهد بودند.

نسل ایشان به سالار شهیدان امام حسین (ع) می‌رسد.

13) غالب معلومات زیر را از رایانه رسمی دفتر مرجعیت حاج آقای سیستانی www.sistani.org با اندک إضافات و تغییر.

ویژگی‌های فردی

ایشان در جوانی فردی آرام بودند و بیشتر وقت خود را به عبادت و تفکر سپری می‌کردند. از صفات ویژه ایشان، قناعت‌ورزی و شکیبایی، تواضع و زیستن زاهدانه در خوراک و پوشاک و مسکن است. پرهیز از تظاهر، خصوصیت بارز دیگری است که مانع شده است مرجعیت ایشان تبلیغ شود و یا تصاویر ایشان در اماکن عمومی نصب گردد. پرهیز از استفاده از عناوینی مانند «آیت الله» در برخی از صفحه‌های وب سایت دفتر ایشان، و همچنین اجتناب از استفاده از نام ایشان در نامگذاری سازمان‌ها و مراکز وابسته و توصیه به استفاده از اسامی علمای گذشته، ناشی از همین ویژگی اخیر است. علاوه بر آن، وجود روحیه پدران‌ه در ایشان موجب گشته است افراد در نظر ایشان یکسان بوده و بین آنان تفاوتی از جهت نژاد و موقعیت‌های اجتماعی نگذارند.

مدارج تحصیلی

آیت الله سیستانی، خواندن و نوشتن و فراگیری قرآن را از پنج سالگی آغاز کردند. تحصیل علوم دینی ایشان به دهه دوم زندگی‌شان در مشهد باز می‌گردد. علم کلام را نزد آیت الله میرزا مهدی آشتیانی و درس فقه را نزد آیت الله میرزا هاشم قزوینی آموختند.

ایشان در در سال ۱۳۶۸ هجری قمری از مشهد مقدس به قم آمدند. با حضور در درس فقه و اصول آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی رحمة الله علیه، علاوه بر فقه، سرمایه علمی فراوانی نیز از علوم حدیث و رجال اندوختند. از شرکت در جلسات درس فقیه عالیقدر سید محمد حجت کوه کمری رحمة الله علیه نیز بهره فراوان بردند.

آیت الله سیستانی با انتقال به حوزه علمیه نجف در سال ۱۳۷۱ هجری قمری در این شهر رحل اقامت گزیدند. حیات علمی ایشان در نجف با شرکت در جلسات درس فقه و اصول دو شخصیت بارز، سید ابوالقاسم موسوی خوئی و شیخ حسین حلّی رحمة الله علیهما آغاز می‌شود. بهره مندی ایشان از آن دو شخصیت برجسته تا مدت زیادی ادامه یافت. در آن مدت، از بزرگانی همچون سید محسن حکیم و سید محمود شاهرودی رحمة الله علیهم نیز علم آموختند.

ایشان با ذکاوت، پژوهش فراوان، سختکوشی در یادگیری، و آشنایی با نظریات مختلف در شاخه‌های گوناگون علوم دینی، از هم ترازهای خود سبقت گرفتند و در سال ۱۳۸۱ هجری قمری تنها عالمی بودند که در اوائل دهه سی سالگی گواهی‌های زیر را از استادان برجسته حوزه دریافت کردند:

- ایشان و آیت الله شیخ علی فلسفی رحمة الله علیه، تنها کسانی بودند که از آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی رحمة الله علیه گواهی اجتهاد گرفتند.

- همچنین ایشان تنها فردی بودند که از استادشان آیت الله العظمی شیخ حسین حلّی گواهی اجتهاد مسلم دریافت کردند.

- دریافت گواهی تبصر در علوم حدیث و رجال از محدث بزرگ، شیخ آقا بزرگ تهرانی در تاریخ ۱۳۸۰ هجری قمری.

آیت الله سیستانی تدریس فقه را از سال ۱۳۸۱ قمری و تدریس اصول فقه را از سال ۱۳۸۴ قمری آغاز کردند. متأسفانه در سال‌های اخیر به علت تشدید شرایط امنیتی مجبور به تعطیل درس‌های خود شدند.

ایشان بیش از چهل اثر منتشر شده و منتشر نشده از خود بر جای گذاشته اند. فهرست کامل این آثار در سایت ایشان قابل دسترس است.

ویژگی‌های مکتب فکری آیت الله سیستانی

برای ایشان اهمیت دارد که پیش از صدور یک حکم فقهی، منشأ پرسش و شرایط اطراف آن همچون محیط کلامی و سیاسی را بدانند. به عبارتی دیگر فقط به متون دینی بسنده نمیکنند.

آیت الله سیستانی تفکر حوزوی را با فرهنگ معاصر آشتی می‌دهند. این، از این رو است که هر پرسشی ممکن است نمودهای مختلفی داشته باشد که ایجاب می‌کند فقیه با همه مکاتب فکری آشنا باشد تا دریابد که چه عواملی باعث می‌شود تا مکاتب گوناگون درباره موضوعی واحد آرا و تفاسیر متفاوتی داشته باشند.

ایشان به اصل «به روز کردن» نظریات و مبانی فقه و اصول معتقد هستند و به بحث و تفسیر متون موجود بسنده نمی‌کنند. به عنوان مثال، ایشان اصل «احترام» را که به معنای احترام به دیگران و اندیشه‌ها و قوانین آنان است را به صورت یک اصل فقهی تدوین کردند.

ایشان به مطالعه تطبیقی مکاتب حوزه‌های عمده دینی اعتقاد دارند و به نظرات سایر فقهای برجسته استناد می‌کنند. به عنوان نمونه، با طرح نظر آیت الله بروجردی به عنوان نماینده مکتب قم از یک سو و طرح نظرات آیات عظام خوئی و حلّی به عنوان نمایندگان حوزه نجف از سویی دیگر، و سپس مقایسه این نظرات با هم

وتحلیل آنها، در نهایت نظر خویش را ارائه می‌کنند. در موارد اختلاف آرای فقهای شیعه امامیه با فقهای سایر مکاتب اسلامی نیز به همین شیوه عمل می‌کنند.

ایشان کاملاً به رشته‌ها و تخصص‌های دیگر نظیر حقوق معاصر آگاهی دارند. به عنوان مثال، قوانین فرانسه، مصر و عراق را بررسی می‌کنند واز آنها در تحلیل اصول فقهی وگسترش کاربردهای آن بهره می‌برند.

مرجعیت

آیت الله سیستانی از بارزترین و تنها شاگرد مرجع عالیقدر آیت الله العظمی خوئی (متوفی سال ۱۴۱۳ هجری قمری) رحمة الله علیه بودند که در طول حیات استادشان به تدریس اشتغال داشتند. آیت الله خوئی به قابلیت‌های ایشان توجه خاصی داشتند وایشان را به امامت نماز جماعت در مسجد الخضراء منصوب کردند. (مسجد الخضراء مسجدی تاریخی در مجاورت حرم امیرالمؤمنین (ع) است که ارزش نمادین بالایی دارد. تا سالها، فقط مراجع تقلید بودند که نماز جماعت را در این مسجد اقامه یا در آن سخنرانی می‌کردند). پس از رحلت آیت الله خوئی، آیت الله گلپایگانی رحمة الله علیه در قم و آیت الله سید عبدالعلا سبزواری رحمة الله علیه در نجف به عنوان مراجع تقلید شناخته شدند. اما هر دو کمی بعد در سال

۱۴۱۴ هجری قمری رحلت کردند. پس از آنان، آیت الله شیخ محمد علی اراکی و آیت الله سید محمد روحانی رحمة الله علیهما به مرجعیت تقلید رسیدند. اما آن دو نیز پس از مدت کوتاهی دار فانی را وداع گفتند. در نتیجه، بزرگان دین و حوزه‌های علمیه به واسطه موقعیت دینی، ایمان و درایت حضرت آیت الله سیستانی مد ظله العالی به ایشان روی آوردند. بسیاری از فقهای بزرگ همچون آیت الله سید علی بهشتی، آیت الله مرتضی بروجردی، و بسیاری از وعاظ برجسته حوزه‌های قم و نجف، مؤمنان را به تقلید از آیت الله سیستانی سوق دادند. در نتیجه، بسیاری از شیعیان عراق، ایران، کشورهای حاشیه خلیج فارس، پاکستان و هند به تقلید از ایشان روی آوردند. این روند پس از چندی به شیعیان سایر کشورهای مسلمان و غیر مسلمان تعمیم یافت.

فعالیت سیاسی

آیت الله سیستانی با صبر و شکیبایی فراوان، در مقابل تلاش رژیم بعث برای سرکوب حوزه علمیه مقاومت کردند. رژیم بعث بسیاری از فقیهان و عالمان از جمله برخی از شاگردان آیت الله سیستانی را تبعید کرد. آیت الله سیستانی علاوه بر تحمل دشنام‌ها و اهانت‌های بعضی‌ها در چند نوبت مورد بازجویی ویا حتی در معرض تبعید قرار گرفتند. اما ایشان علی رغم همه این فشارها هیچ گاه حاضر نشدند حوزه علمیه نجف اشرف را ترک کنند.

آیت الله سیستانی در مقابل فشار و تهدید رژیم بعث در طول جنگ ایران و عراق نیز ایستادگی کردند. وقتی مردم عراق در سال ۱۴۱۱ هجری قمری قیام کردند و رژیم بعث، آنان را با قساوت سرکوب کرد، آیت الله سیستانی و بسیاری از عالمان دیگر نیز در بازداشتگاه مخوف رضوانیه بغداد مورد ضرب و شتم و بازجویی شدید و حتی شکنجه قرار گرفتند. رژیم بعث چندی بعد برخی از آنان از جمله آیت الله شیخ مرتضی بروجردی و آیت الله میرزا علی غروی را به شهادت رساند.

با درگذشت آیت الله العظمی خوئی (قدس سره) و پس از اینکه آیت الله سیستانی مرجعیت عامه یافتند، رژیم بعث تلاش کرد تا شخصیت آیت الله سیستانی و موقعیت ایشان در میان فقیهان شیعه را مخدوش سازد. بدین جهت با تعطیل کردن مسجد جامع الخضر^{۱۴} در سال ۱۴۱۴ هجری قمری، که محل اقامه جماعت به امامت ایشان بود، مانع از دیدار شیعیان با ایشان گشت. اسناد به دست آمده از رژیم بعث حاکی از آن است^{۱۵}

14) جامع الخضراء مسجدی قدیم و تاریخی است کنار حرم مطهر امام علی (ع) میباشد. رمزیت و شائستگی خاصی دارد، منجمله تدریس علوم حوزوی توسط علمای قدر و مشهور انجام میشد. همچنین امامت جماعت آن معمولاً توسط مراجع بزرگ جهان تشیع بودند، برای مثال آیت الله خوئی حدود سی سال امامت آن مسجد را به عهده داشتند.

“The Hawza under Siege”, by Dr. Abbas Kadhim, (15 Boston University.

Online PDF file available on: <http://www.bu.edu/iis/files/2013/04/Bath-Party-ArchiveFinal-1.pdf>

که هنگامی که همه این تلاش‌ها با شکست روبرو شد، در صدد اجرای طرح ترور ایشان برآمدند. در نتیجه، ایشان عملاً تا سالها در منزل محبوس گشتند و حتی از زیارت حرم مطهر حضرت علی (ع) که در فاصله کمی از منزل ایشان قرار داشت بازماندند.

پس از فروپاشی رژیم بعث و اشغال عراق در سال ۱۴۲۴ هجری قمری، اشغالگران تلاش کردند قانون اساسی و نظام حکومتی خاصی را بر مردم عراق تحمیل کنند. آیت الله سیستانی مد ظله نامه‌ای به شورای امنیت ارسال کردند و دربارہ مخاطرات چنین طرحی هشدار دادند. متعاقب آن نامه، شورای امنیت با درخواست ایشان موافقت کرد. ایشان همچنین در حکم مشهور خود در مورد قانون اساسی عراق تأکید کردند که قانون اساسی جدید عراق باید با مبانی اسلام و ارزش‌های والای مردم عراق مطابقت داشته باشد و تدوین و تصویب آن تنها از طریق همه‌پرسی انجام یابد¹⁶. در عمل نیز، حکومت جدید عراق با نظر مرجعیت شیعه، که در وجود حضرت آیت الله العظمی سیستانی مد ظله متبلور گشته بود، همسویی نشان داد. بدین ترتیب، ایشان نه تنها عراق را از تسلط اشغالگران محافظت کردند، بلکه در حفظ کل

16) حکم ایشان که به زبان عربی است از پیوند زیر قابل دسترسی است:

[/http://www.sistani.org/arabic/archive/273](http://www.sistani.org/arabic/archive/273)

منطقه از توطئه دامنه دارتری که اشغال عراق تنها نقطه آغاز آن بود نقش مؤثری ایفا کردند.

آیت الله سیستانی در ۱۹ شعبان ۱۴۲۵ هجری قمری به منظور عمل جراحی قلب، عراق را به مقصد لندن ترک کردند. غیبت یکبارۀ ایشان و آثار روانی بر اوضاع سیاسی موجب درگیریهای خشونت بار میان گروههای مختلف محلی و بیگانه در سراسر عراق گشت به گونه‌ای که گروههای متخاصم حتی به حرم مقدس امام علی (ع) نیز وارد شدند و با استفاده از آن به عنوان مقر نظامی خود آن را در معرض حمله و تخریب قرار دادند. با توجه به شرایط پیش آمده، آیت الله سیستانی پس از ترخیص از بیمارستان بلافاصله و با اولین پرواز به کویت رفته و از طریق مرز عراق به شهر بصره وارد گشتند. ورود ایشان به بصره با استقبال گسترده و مشتاقانه مردم مواجه شد و میلیونها نفر از مردم طی یک راهپیمایی باشکوه ایشان را از بصره تا نجف اشرف همراهی کردند. آیت الله سیستانی مصمم بودند با وجود همه مخاطرات و تهدیدهای فاجعه بار برخی از طرفهای درگیر، نجف اشرف را از آشوب و درگیری برهانند. ورود ایشان به همراه میلیونها نفر از مردم موجب گشت طرفهای درگیر، حرم مطهر حضرت علی (ع) را ترک کنند. بدین ترتیب، وجود ایشان از بروز حوادثی که ممکن بود به طور جبران ناپذیری به مقام و منزلت مکتب تشیع و اسلام آسیب وارد کند جلوگیری کردند.

در پی سقوط رژیم بعث و اشغال عراق در سال ۱۴۲۴ هجری قمری، این کشور شاهد امواج سهمگین جنگ فرقه‌ای و سیاسی گشت. کشتار گروه‌های مختلف مردم به طرز وحشتناکی گسترش یافت. تکفیری‌ها دست در دست رهبران بعضی از گروه‌های صاحب ثروت و سلاح و رسانه به این ناآرامی‌های فرقه‌ای دامن می‌زدند تا آنجا که در ۲۳ محرم ۱۴۲۷ هجری قمری حرم مقدس دو امام عسکری (ع) در سامرا را منفجر و قبه مقدس مقام و حرم را منهدم کردند. در آن هنگام، کل کشور در التهاب شدید به سر می‌برد و بیم آن می‌رفت که خون‌های بیشتری ریخته شود. آیت الله سیستانی با وجود همه فجایع و جنایت‌هایی که شاهد بودند، درایت، ذکاوت و حد اعلای شکیبایی خویش را به کار گرفتند. ایشان در فتواها و بیانیه‌های خود اشغال مساجد توسط فرقه‌های مخالف و حمله به هر انسانی را، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، چه شیعه و چه سنی، منع کردند. در این فتواها و بیانیه‌ها این سخن مشهور ایشان به چشم می‌خورد که: «نگویید برادران سنی ما، بگویید خود ما و نفس ما». بدین ترتیب، ایشان موفق شدند جنگ فرقه‌ای را متوقف سازند، مساجد را از اشغال گروه‌ها در آورند و صلح و امنیت را در کشور برقرار کنند. البته باید خاطر نشان ساخت که هنوز تلاش‌هایی برای شعله ور کردن دوباره جنگ فرقه‌ای در عراق توسط دشمنان صورت می‌پذیرد.

در پایان باید از فتوای تاریخی آیت الله سیستانی در ۱۱ شعبان ۱۴۳۵ مبنی بر جهاد کفایی تحت فرماندهی ارتش عراق و علیه گروه تروریستی داعش یاد کرد¹⁷. این گروه تروریستی شبانه به مرز عراق تجاوز کرد و در حالی که ارتش عراق کاملاً از هم پاشیده بود، به واسطه خیانت رهبران منطقه، پس از اشغال شهر موصل در شمال عراق به چند کیلومتری بغداد رسید. اما طولی نکشید که هزاران تن از مردم با پیروی از فتوای ایشان، داوطلب جنگ با داعش شدند. فتوای ایشان اولین فتوا در نوع خود بود که تقریباً یک قرن پس از حکم جهاد علیه اشغالگران انگلیسی در ۱۹۲۰ میلادی صادر می‌شد. بدین ترتیب، عراق و مرزهای همسایگان عراق از افتادن به دست تکفیری‌ها و خوارج عصر حاضر نجات پیدا کرد.

آیت الله سیستانی نخستین رهبر دینی هستند که به واسطه تلاش در مبارزه با تروریسم و حمایت از آوارگان سنی، مسیحی و سایر اقلیت‌هایی که پس از حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به عراق پناهنده شدند، مورد تقدیر شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفتند. این تقدیر در گزارش ۱۰ ژانویه ۲۰۱۴ شورای امنیت بین الملل آمده است¹⁸.

(17) متن فتوای ایشان که به زبان عربی است از پیوند زیر قابل دسترسی است:

<http://www.sistani.org/arabic/statement/24906>

(18) متن مربوطه از پیوند زیر قابل دسترسی است:

<http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=46909&Cr=Iraq&Cr1=#.VwigrEfk01p>

آیت الله سیستانی همچنین اولین رهبر دینی هستند که دبیر کل سازمان ملل ایشان را در منزلشان ملاقات کرد. دبیر کل سازمان ملل در ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۴، در ملاقات یک ساعته خود با آیت الله سیستانی مراتب تشکر خود را به خاطر تلاش‌ها و مواضع ایشان بر ضد افراطی‌گری و تروریسم و حفظ صلح و یکپارچگی کشور ابراز کرد و گفت: «من بسیار افتخار می‌کنم که امروز برای اولین بار با آیت الله سیستانی دیدار کردم. ایشان مردی بسیار دانا و صبور، والگو و راهنمایی برای پیروان بی شمارشان در عراق و سایر کشورها هستند». وی افزود: «من قدردانی سازمان ملل را به خاطر حمایت ایشان از تلاش‌های انجام شده برای محافظت از غیر نظامیان در درگیری‌های موجود ابلاغ کردم. ... به ایشان عرض کردم که چقدر از اینکه همواره خواستار پرهیز همه طرف‌های درگیر، از تحریکات فرقه‌ای یا نژادی هستند، تحت تأثیر قرار گرفته‌ام». بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل، در پایان سخنانش گفت: «ملاقات با ایشان برای من بسیار تأثیر گذار بود. مردم عراق می‌کوشند تا کشوری آزاد، آرام و مرفه داشته باشند؛ شما می‌توانید به حمایت کامل من و سازمان ملل امیدوار باشید»¹⁹.



(19) فرمایشات ایشان از پیوند زیر قابل دسترسی است:

<http://www.un.org/sg/offthecuff/index.asp?nid=3496>

بی شك، موفقیت و پیشرفت هر جامعه‌ای وابسته به جوانان و اشتیاق و حماسه همیشگی آنان برای بهتر شدن میباشد. لیکن در کنار همه آن انگیزها و توان و سرشاری، بسا به تجربهای نگین و معتبر و راهنمایی و ارشاد دلسوزان نیاز شدید دارند.

نوشتار حاضر توصیه‌های ارزنده و راهنمایی‌های معنوی حضرت آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی مد ظلله العالی، از رهبران تأثیر گذار دنیای کنونی است که بیش از هشتاد سال حیات پر ثمر خود را در راه اعتلای بشریت و دین الهی صرف کرده است. هدف از این توصیه‌های ارزشمند ارائه راهکاری به جوانان برای دستیابی به یک زندگی موفق‌تر و معنادارتر و تحقق نسلی شکوفاتر در آینده‌ای نزدیک است.

امید است این نوشته هدف نویسنده را محقق سازد و نشر آن در میان پیروان فرهنگ‌ها و مکتب‌های گوناگون بتواند به جامعه جهانی یاری رساند.

